

جنگ عراق : باز هم سر ایران بی کلاه ماند

در مورد جنگ آمریکا علیه رژیم بغداد صد ها مقاله و کنفرانس نوشته و برگزار شده است . همچنین تظاهرات ضد جنگ در اکثر کشور ها منجمله در خود آمریکا انجام گرفته است.عکس العمل ایرانیها ، اما، مانند همیشه در حول محور های کلیشه ای چرخیده است. ایرانیها از نویسندگان و روشنفکران گرفته تا مردم عادی عادت دارند این گونه رویداد ها را به قصد افشای ابعاد پست پرده آن بشکافند و داد سخن بدهند...اینکه اهداف مخفیانه آمریکا از این جنگ چیست ؟ یا اسرائیل محرک اصلی آمریکا است ، تغییر جغرافیای منطقه و یا تحمیل نظم نوین جهانی و کنترل جریان نفت خاور میانه و از این دست تحلیل ها مرتبا عرضه می شود. دولتمردان هم دست کمی از دیگران ندارند. به سبب موضع سیاسی خود اظهارات تند و کند ارائه می دهند. در این جریان یکنفر از صلح دفاع می کند یک طرف هم بر ضد بشری بدن این حرکت اعتراض می کند و بعضی از آنها هم آمریکا را مانند قبل از حمله به افغانستان نصیحت می کنند که اینکار آنها را در باطلاقی درگیر خواهد کرد.

ولی کسی دو سؤال اصلی را مطرح نمی کند:

- ۱- فرض که همه این نظرات و تحلیل های شما درست باشد. فایده آنها چیست؟ چه راهی برای انعکاس آنها به افکار عمومی آمریکا دارید؟ اینکه هی بگوئید اسرائیل پشت صحنه است ، در صورت حقیقت، با گفتن شما که راه انعکاس آنها هم ندارید ، اسرائیل پس می کشد؟ اگر اسرائیل، بعنوان یک کشور خارجی، چنین قدرتی در آمریکا دارد . شما چه حرکتی کردید که جای خود را در این کشور باز کنید؟
- ۲- از آنجا که این اظهارات فقط مصرف داخلی داشته و کمکی به جلوگیری از جنگ نکرده و این جنگ از قبل کاملا محتمل بود و انجام هم شد . چه چیزی گیر ایرانیان آمد یا می آید . آیا همه کشورها در این گونه مواقع بدنبال منافع دراز مدت خود نیستند. آیا شما نباید سیاست هائی اتخاذ کنید که در هر بحران بین المللی و یا منطقه ای منافع ملی خود را تامین کنید؟ تا حال در این گونه موارد چه کرده اید؟ . در افغانستان که دارید پول دستی هم می دهید تازه معلوم نیست آب هیرمند را هم قطع نکنند. جمهوری اسلامی بجای اتخاذ سیاست های مبتنی بر تامین منافع ملی اعلام بی طرفی کرده است. بگذریم که آقای جورج بوش در سخنرانی خود قبل از حمله به عراق گفت هر چند تعدادی از کشور ها ما را همراهی نمی کنند ولی کشورهای دیگری بما پیوسته اند و بعضی ها هم مخفیانه از ما حمایت می کنند . البته می توان تصور کرد که جمهوری اسلامی که ید طولائی در بند و بست پشت پرده برای بقای خودش و نه منافع ملی دارد جزو این کشورها باشد. حالا ارمغان این بی طرفی برای ایران چه بوده است؟ تا حالا که دریافت چند موشک منحرف شده ، خسارت و اخیرا هم اتهام فرستادن شیعیان به داخل عراق و بر ضد آمریکا.

ممکن است مطرح شود که برای تامین منافع ملی ، مثلا چه راه هائی می توانست مطرح باشد. این البته با سیاستمداران خبره که دانش و تجربه اینکار را دارند است که سیاست ها را مطرح کند . در این نوشته فقط پیشنهاداتی که بنظر می رسد مطرح می کنم به امید اینکه زاویه دیگری برای اندیشمندان دلسوز ایرانی باز شود.

خواست ایران بعد از قبول قطعنامه آتش بس سازمان ملل در جنگ ۸ ساله ایرا ن و عراق چه بوده است؟ به دو تا از آنها اشاره می کنم.

۱- تنبیه متجاوز . کشور عراق از سوی سازمان ملل متجاوز شناخته شده است.
۲- پرداخت غرامت جنگ از سوی عراق به ایران که متجاوز از هزار میلیارد دلار برآورد شده است و این پرداختن هم مورد تأیید سازمان ملل است.
جمهوری اسلامی به هیچکدام از این خواسته ها نرسیده است و صدام هرگز قصد پرداخت غرامت را نداشته است. حالا اگر کشو های دیگری بدون خرج از کیسه ایران می خواهند متجاوز را تنبه و برکنار کنند موضع ایران چه باشد؟ مگر این یکی از خواست های اصلی نبوده است؟ آیا جمهوری اسلامی بعد اینهمه صدمه مالی و جانی در یک جنگ بی حاصل ، برای مثال، نمی توانست یکی از دو پیشنهاد زیر را مطرح کند.

۱- جمهوری اسلامی در صورتی در حرف و عمل در این جنگ بی طرف می ماند که آمریکا تحریم های ایران را بردارد و سپرده های ایران را آزاد نماید. تحقق چنین پیشنهادی حد اقل این امکان را بوجود می آورد که ایران به اجبار دنبال خرید هواپیماهای فرسوده و یا روسی نرود و صوانح هوائی کاهش می یافت.

۲- از آنجا که جنگ قبل از شروع ، چه ایران بخواهد و چه نخواهد، قطعی بنظر می رسید ایران می توانست به آمریکا اجازه بدهد فرودگاه بزرگی با کلیه امکانات جهت تخلیه نیرو درمحل مناسبی در غرب کشور بسازد. جاده های مرتبط را هم احداث کند تا در زمان حمله بتواند جبهه ای هم از جهت شرق عراق باز کند و سریع تر به پیروزی احتمالی برسد. (کاری که آمریکا خیلی مایل بود از طرف ترکیه و شمال عراق انجام دهد که بعلت موقعیت خاص سیاسی ترکیه و مساله اکراد با وجود تعهد پرداخت پولبه ترکیه به اشکال برخورد) و این اجازه در صورتی صادر خواهد شد که نیروهای آمریکائی وارد شهر های ایران نشوند، از نیروی های کار ایرانی با دستمزد مناسب برای ساخت فرودگاه استفاده نمایند، بعد از خاتمه جنگ فرودگاه و کلیه تجهیزات ناوبری آنرا برای ایران بگذارند ، از ایران بکلی خارج شوند و مهمتر از همه تعهد بدهند که حکومت آینده عراق در صدی از فروش نفت خود را تا پرداخت کامل غرامت مورد بحث به ایران بدهد.

شکی نیست که اگر این پیشنهادان به گوش دولتمردان جمهوری اسلامی برسد باز به همان تحلیل های کلیشه ای خود روی می آورند که اگر چنین کنیم پای آمریکا در منطقه باز می شود و از این گونه برداشت ها . مثل اینکه در طول این سالها آمریکا در منطقه و خلیج فارس و اخیرا در افغانستان حضور ندارد .

و یا تا بحال جمهوری اسلامی جز حرف و تهدید و توهنات چه عملی بر خلاف
خواسته آمریکا توانسته انجام دهد. و باز بر می گردیم به سئوالی که همچنان
مطرح است... حال که اکثر کشورها چه در زمینه سیاسی و یا اقتصادی دنبال
ساختن کلهای از این نمد برای خود هستند.. آیا این بار هم سر ایران بی
کله می ماند؟

احمد بطایی